حافظه فیزیولوژیکی؛ بستری برای درک معنا

نکته‌ای که می‌خواهم عرض کنم این است: چرا ما در درک معنا در این بدن مادی حتماً به حافظه فیزیولوژیکی نیاز داریم؟ این چهار-پنج قسم حافظه در جای خودش؛ اما چرا به این حافظه [فیزیولوژیکی] نیاز داریم؟ به این خاطر است که ریخت معنا، ریخت طبیعت است. الآن ذهن و روح ما وقتی با طبایع آشنا شد، کاملاً طبیعت را از فرد تشخیص می‌دهد. کار دستگاه حافظه ما این است که برای دو فرد از یک طبیعت معدّا ایجاد می‌کند. حافظه این است که دو فرد را باید طوری نگه دارد تا از بقاء دو فرد، ما به الاشتراک بین دو فرد درک شود. و لذا اگر ما حافظه نداشتیم - یعنی وقتی یک فرد را درک می‌کردیم، تا ذهن ما سراغ فرد دوم می‌رفت، قبلی محو می‌شد - در این صورت ما معنا را درک نمی‌کردیم. معنا را درک نمی کردیم به این معنایی که گفتم، و الا در مباحثه قبلی عرض کردم که ممکن نیست قوه مدرکه‌ای که خدای متعال آفریده، یک فردی را درک کند، الا اینکه در ضمن درک آن فرد، طبایع و معانی را هم درک می‌کند. در چه زمانی؟ در اولین درک.

شاگرد: یعنی حتی در متبایناتِ؟

استاد: آنچه که باعث شد ما مباحثه را خیلی طولانی کنیم و خیلی برای ما مهم بود، این بود: نوعا روی مبانی ارسطویی، می‌گوییم ذهن جزئیات را می‌بیند و بعد تجرید و انتزاع می‌کند. آنچه که من خیلی روی آن تأکید داشتم، این بود که به این صورت نیست. ذهن معنا را تجرید نمی‌کند، بلکه در اولین مواجهه با فرد، عقل در آنجا حاضر است و در اولین مواجهه، طبیعت را درک می‌کند. و لذا من مدام تأکید می‌کردم که فرد دوم را که می‌بیند، همان لحظه می‌فهمد که این با آن، یکی است. می‌گفتم گرسنگی و گرسنگی، گرسنگی و تشنگی؛ در علوم حضوری به اینها مثال می‌زدم. کسی که در اولین دفعه احساس گرسنگی کرده؛ به‌عنوان یک فرد و یک احساس تک، احساس گرسنگی کرده، بعد که به‌عنوان یک فرد و تک ادراک، تشنگی را احساس می‌کند، دو احساس است. اما به محض این‌که در دفعه بعدی دوباره احساس گرسنگی می‌آید، می‌بیند این، با قبلی یکی است. خُب اگر در قبلی معنا را درک نکرده بود، چطور با دیدن فرد دوم می‌فهمید که اینها ما به الاشتراک دارند؟! شاید چند جلسه راجع به همین صحبت کردیم؛ این مطلب مهمی است. لذا آن عقلی که درک‌کننده یک فرد است، هر چه در عقلانیت و در تجرد و در رتبه وجودی بالاتر باشد، جایش از درک یک فرد پُرتر است از درک معانی.

شاگرد: یعنی چه جایش پرتر است؟

استاد: حاج آقای حسن‌زاده در درس اسفارشان زیاد می‌فرمودند. می‌گفتند الاغ که به یک ساختمان نگاه می‌کند، احساسٌ و همیٌ حیوانی دارد، اما انسان که نگاه می‌کند، احساسٌ عقلی دارد. یعنی هر دو به یک ساختمان نگاه می‌کنند، اما پشتوانه نگاه یک حیوان، به همان اندازه نفس حیوانی او است و انسان که نگاه می‌کند، پشتوانه نگاه او به این فرد، آن درجه و رتبه ناظر و مدرِک است. حال همین انسان اگر مهندس باشد و درس خوانده باشد - یعنی در رتبه عقلی و علمی بالا باشد - اگر او به این ساختمان نگاه می‌کند، باز فرق می‌کند با کسی که مبادی را نمی‌داند و از علم خبر ندارد.

شاگرد: حیوان هم علی القاعده درک طبیعت دارد.

استاد: من حرف استاد را گفتم. من جلوتر عرض کردم که نمیدانم حرف نهائی ابنسینا بوده یا نه - چون من خیلی درس کتابهای ایشان را نرفتهام - ولی میگویند ایشان گفته تجرد تنها در انسان است که عقل دارد و در حیوانات، تنها صورت منطبعه در ماده است. من بارها گفتهام که از مثل ایشان تعجب میکنم که چطور خودش را قانع میکرده که حیوانات تنها صورت منطبعه در ماده دارند و خلاص؟! آدم رفتارهای اینها را میبیند که مشحون به تجرد است و اینطور نیست که حیوان، صورت منطبعه در ماده باشد. اینطور به خیال من میرسد.

لذا در جلسه قبل گفتم وقتی بچه تازه دای گرفته که ادا دربیاورد، درک معنا دارد یا ندارد؟ بهصورت یک سؤال مطرح کردم؛ یعنی هنوز پروندهٔ آن مفتوح است. ولی مثالی بود که برای آن منقاشات، خوب بود. آن آقا فرموده بود خُب با بچه هم حرف میزنیم و به او دای میدهیم که این کار را بکن. به جهت منقاشه ایشان، من مثال را به مرزی بردم که دیگر با بچه نمیتوان مفاهمه کرد که به او دای بدهید که این کار را بکن؛ او هنوز نمیفهمد و تازه توانایی نشستن پیدا کرده است، ولی این اندازه هست که اگر خود شما کاری کنید، به مرحلهای رسیده که فوری ادای شما را درمیآورد و تا دست روی زنگ بگذارید، او هم فوری میگذارد. این چیزی است که در بچه محقق میشود. بهعنوان سؤال این را مطرح کردم که آیا در اینجا درک معنا هست یا نیست؟

شاگرد: ظاهراً حتی شرطیسازی در حیوانات قرینه بر درک معنا میشود. چون از کجا میفهمد که این آن است؟ همان ضابطهای که در گرسنگی فرمودید، در شرطیسازی حیوانات هم میآید.

استاد: تفاوت ظریفی که در بحث ما هست، این است: ما بهدنبال درک معنا هستیم. اینکه یک نظام فیزیولوژیکی باشد که تنها دای بگیرد تا کنشها را در یک شرایطی تکرار کند، ملازمه منطقی با درک معنا ندارد.

بازبینی #3
ایجاد شده 21 اکتبر 2024 13:16:08 توسط ... .
به روزرسانی شده 21 اکتبر 2024 13:43:11 توسط ... .